

# والدین و آموزش<sup>۱</sup>

نویسنده: سام ردینگ<sup>۲</sup>

مترجم: محمد ضیایی موید

مقدمه	۲
۱. برنامه‌درسی خانه	۳
۲. رابطه پدر و مادر و فرزند	۴
۳. فعالیت‌های روزمره در زندگی خانوادگی	۶
۴. انتظارات خانواده از فرزندان و نظارت بر آنها	۷
۵. تکالیف خانگی	۹
۶. روابط میان مدرسه و خانه	۱۰
۷. مشارکت والدین	۱۳
۸. آموزش والدین	۱۴
۹. رابطه خانواده و مدرسه	۱۶
۱۰. خانواده‌ها و جوامع محلی	۱۷

<sup>1</sup> Parents and learning (2000), UNESCO & The International Academy of Education (IAE)

<sup>2</sup> Sam Redding (Shool-Family Partnerships for Children's Success, 2005)

## مقدمه

در همه جا، دانش آموزان برای یادگیری بیشتر در مدرسه، تحت فشار قرار دارند. اقتصاد نوین ایجاب می کند که جوانان در خواندن، نوشتن، حساب کردن و حل مسأله به توانایی کامل برسند و سپس مدرسه را ترک کنند. شهروندی در جامعه، مستلزم آن است که فرد درک درستی از تاریخ، دولت و سنت جامعه خود و دیگر جوامع داشته باشد. از این رو، سعادت هر فرد می بایست با نگاهی علمی به جهانی پیچیده و به سرعت در حال تغییر، دنبال شود.

از آنجا که مدارس تحت فشارند تا کارآیی و بهره‌وری خود را بهبود ببخشند، تأثیرات خارج از محیط مدرسه بر یادگیری درسی، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. حتی در کشورهایی که روزهای مدرسه رفتن و سال تحصیلی آنها طولانی‌تر شده است، کودکان و نوجوانان مدت زمان اندکی را در طول هجده سال اول زندگی خود در مدرسه می گذرانند (شاید ۱۳ درصد از کل ساعات بیداری خود را). این در حالی است که بقیه زمان آنها، در خانواده، یا به صورت گسترده‌تر در جامعه خارج از مدرسه سپری می‌شود.

خوشبختانه، تحقیق در مورد تأثیر خانواده بر یادگیری درس‌ها، پیشینه قابل توجهی دارد و اکنون می‌توان با اطمینان زیاد اصول مقدماتی آن را بیان کرد. با اطمینانی منطقی می‌توان گفت از نگاه آماری، فقر می‌تواند کارکرد مدارس را کاهش دهد. با این وجود، اگر خانواده‌ها بتوانند محیطی برانگیزاننده، حمایتی و غنی از زبان را فراهم آورند، امکان این را خواهند داشت تا وضعیت نامطلوب ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی را نادیده بگیرند. به عبارت دیگر یک برنامه آموزشی خانگی جایگزین<sup>۳</sup> (شامل روابط خانواده، شیوه‌ها و الگوهای زندگی)، می‌تواند به شکل دقیقی وضعیت آموزشی دانش آموز را پیش‌بینی کند. از سوی دیگر این امید وجود دارد که مدارس بتوانند، فارغ از وضعیت اقتصادی خانواده‌ها، برای بهبود برنامه‌درسی خانگی، با آنها تعامل داشته باشند. به واسطه وجود مدارس، ارتباطاتی میان خانواده‌ها شکل می‌گیرد که منجر به ایجاد یک اجتماع ویژه می‌شود.

تحقیقاتی که در مورد این نوع از ارتباطات صورت گرفته، عمیقاً بر پژوهش‌های دیرینه جامعه‌شناسانه مبتنی است و انواع اجتماعات محلی را شامل می‌شود. با این وصف، در سال‌های اخیر و به خصوص در دهه گذشته، مجموعه‌ای از تحقیقات جامعه‌شناختی با تمرکز بر مدارس به عنوان اجتماعات محلی انجام شده و ما در حال دستیابی به مجموعه‌ای از مفاهیم هستیم که ممکن است به زودی به نظریه تبدیل شوند.

البته این تحقیقات فعلاً عمر کوتاهی دارند و قطعی نیستند که بتوانند اظهار نظر کنند مدارس چگونه می‌توانند در راستای بهبود آموزش کودکان، بر رفتارهای خانواده تأثیر بگذارند. برای شناسایی مفیدترین روش‌های موجود، آزمایش‌های زیادی باقی مانده است. در واقع تعدادی روش ابتکاری نیز شناسایی شده‌اند که می‌توان از آنها درس گرفت و تعمیم‌شان داد.

<sup>3</sup> alterable

در حالی که تأثیر خانه بر یادگیری تحصیلی، امر بسیار با اهمیتی است، کیفیت و کمیّت آموزش و شناسایی توانایی‌های شناختی کودک نیز از اهمیت برابر یا بیشتری برخوردار است. در عین حال اگر بر سهم برابر خانواده در مسائل مربوط به آموزش کودک، بیش از حد تأکید کنیم و از نقاط ضعف مدرسه چشم‌پوشیم، با خطراتی مواجه خواهیم شد. به همین منوال، نادیده گرفتن دستاوردهایی که به خانواده‌ها کمک می‌کند تا برنامه‌جایگزین آموزشی خانگی را به خوبی پیش ببرند از احتمال تأثیرگذاری مدرسه می‌کاهد.

## ۱. برنامه‌درسی خانه

الگوهای قابل شناسایی در زندگی خانوادگی، به افزایش سطح مهارت کودک برای یادگیری در مدرسه کمک می‌کند.

پژوهش درباره‌ برنامه‌درسی خانه، الگوهای خاصی از زندگی خانوادگی را که با موفقیت کودک در یادگیری تحصیلی ارتباط تنگاتنگ دارد، جدا می‌کند و مورد مطالعه قرار می‌دهد. به خصوص مطالعاتی که پیوند مثبتی را میان یادگیری کودک و برخی از فعالیت‌های محیط خانواده، بررسی کرده‌اند. این فعالیت‌های خانوادگی ذیل سه عنوان ذکر شده‌اند:

### روابط والدین - فرزند

- گفتگوی روزانه درباره وقایع عادی
- ابراز محبت
- بحث خانوادگی درباره کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و برنامه‌های تلویزیونی
- بازدید خانوادگی از کتابخانه‌ها، موزه‌ها، باغ‌وحش‌ها، اماکن تاریخی و انجام فعالیت‌های فرهنگی
- تشویق کودک به استفاده از کلمات جدید در راستای گسترش دایره لغات

### جریان روزمره زندگی خانوادگی

- اختصاص زمان مشخصی از روز به مطالعه
- داشتن برنامه‌ای درباره کارهای روزمره مانند غذا خوردن، خوابیدن، بازی کردن، کار کردن، درس خواندن و ...
- اختصاص دادن مکانی آرام از خانه برای مطالعه
- علاقه خانواده به انجام بازی‌ها، سرگرمی‌ها و فعالیت‌هایی که ارزش آموزشی دارند.

## نظارت‌ها و انتظارات خانواده

- اولویت دادن به انجام دادن کارهای مدرسه و مطالعه، نسبت به تماشای تلویزیون و تفریح
- انتظار وقت‌شناسی از کودکان
- انتظار از کودکان که هنگام انجام کارها همه تلاش‌شان را بکنند.
- مراقبت نسبت به استفاده صحیح و مؤثر کودکان از زبان
- نظارت بر گروه همسالان کودک
- کسب دانش لازم برای نظارت بر پیشرفت کودک در مدرسه و رشد شخصی

وقتی کودک با نگرش‌ها، عادات و مهارت‌های لازم به مدرسه بیاید تا بیشترین استفاده را از آموزش معلم ببرد، اثربخشی معلم نیز افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، از آنجایی که می‌دانیم سطح یادگیری کودکان نیز با رعایت موارد فوق در محیط خانه افزایش می‌یابد، این وظیفهٔ مدرسه است که به والدین در تهیهٔ برنامهٔ درسی مؤثر در خانه کمک کند. خوشبختانه صرف نظر از سطح تحصیلات والدین یا وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها، اضافه کردن شیوه‌های رفتاری خانواده در برنامهٔ درسی، تقریباً برای هر خانه‌ای ممکن است.

## ۲. رابطهٔ پدر و مادر و فرزند

رابطهٔ پدر/مادر و فرزند که سرشار از تعاملات کلامی پر بار و حمایت عاطفی است، می‌تواند مزایای زیادی را برای فرزندان به همراه داشته باشد.

رشد زبانی کودک از بدو تولد آغاز می‌شود و بر اساس تعامل با والدین شکل می‌گیرد. این تعامل‌ها در آماده‌سازی کودک برای یادگیری در مدرسه نقش مهمی دارند، مانند: صحبت کردن با نوزاد، گوش دادن به صحبت‌های کودک، کتاب خواندن برای کودکان و گوش دادن به کتاب‌خوانی آنها، صحبت کردن در مورد کتابی که والدین یا فرزندان در حال خواندن هستند، قصه‌گویی، مکالمهٔ روزانه و نامه‌نویسی. جدا کردن این تعامل‌های کلامی از پیوندهای عاطفی و احساسی که همراه با این تعاملات به وجود می‌آیند، کار بسیار دشواری است. به همین دلیل، والدین باید ابراز محبت را نیز در فعالیت‌های کلامی خود بگنجانند که برای رابطه با فرزند بسیار ضروری است. همچنین والدین باید به طور مداوم به فرزند خود نشان دهند که یادگیری بخشی طبیعی از زندگی است و به نوبهٔ خود شادی آور است. والدین باید این یادگیری را به بخشی از تجربهٔ خانوادگی تبدیل کنند، مخصوصاً وقتی که با فرزند خود به مکان‌هایی مانند موزه، باغ وحش و اماکن تاریخی می‌روند؛ یادگیری در این مکان‌ها می‌تواند برای فرزندان بسیار نشاط‌آور و هیجان‌انگیز باشد.

مگر همه خانواده‌ها در مورد اتفاقات روزمره با یکدیگر صحبت نمی‌کنند؟ بله، اما کیفیت و کمیت این تعاملات می‌تواند بسیار متفاوت و متنوع باشد. آیا لحن کلی مکالمات آن‌ها، مثبت و حمایتگر است؟ آیا این مکالمات در هر دو جهت (یعنی هم از طرف والدین و هم از طرف فرزندان) در جریان هستند؟ آیا طرفین مکالمه به همان اندازه که صحبت می‌کنند، به صحبت‌های طرف مقابل خود نیز گوش می‌دهند؟ هرچه کودکان بزرگتر شوند، زمان مکالمه آن‌ها با والدین نیز کاهش می‌یابد. اما فعالیت‌های روزمره مانند صرف شام در یک فضای آرام، موقعیت مناسب و مداومی را برای گفتگوهای خانوادگی فراهم می‌کند.

وجود یک پیوند عاطفی میان والدین و فرزندان که به طور مداوم در محبت‌هایشان نسبت به هم مشهود است، به کودک کمک می‌کند تا از نظر روانی برای مقابله با استرس‌ها و چالش‌های زندگی در خارج از خانه و به ویژه در مدرسه، آماده باشد. محبت همچنین برای خانواده یک روان‌کننده اجتماعی<sup>4</sup> است؛ روابط را تقویت می‌کند و باعث می‌شود نگرش مثبتی نسبت به مدرسه و یادگیری در کودکان ایجاد گردد.

وقتی که خانواده‌ها با هم در مورد کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و برنامه‌های تلویزیونی صحبت می‌کنند، فرزندان نیز از این پرس‌وجوهای کلامی لذت خواهند برد. تعریف رویدادهای در حال وقوع و بحث در مورد اختلاف نظرها، درهای مختلفی را به روی فعالیت فکری کودکان می‌گشاید و حس کنجکاوی را در آنها زنده نگه می‌دارد. همچنین خانواده‌ها با بازدید از کتابخانه‌ها، موزه‌ها، باغ‌وحش‌ها، اماکن تاریخی و رویدادهای فرهنگی می‌توانند کودک خود را به کشف و تفکر در مورد موقعیت‌های جدید و تبادل نظر تشویق کنند.

واژه‌ها و لغات، یکی از عناصر اصلی و سازنده اندیشه و بیان هستند. همه بچه‌های کوچک دوست دارند کلمات جدید را امتحان کنند. بعضی از خانواده‌ها این جستجو و کشف کلمات جدید را در کودک خود تشویق می‌کنند. در واقع این کار به یکی از لذت‌های مداوم آن‌ها تبدیل شده است. اما برخی از کودکان در صورت تلفظ اشتباه یا استفاده اشتباه از یک کلمه جدید، مورد تمسخر قرار می‌گیرند و این باعث می‌شود عشق آن‌ها به کلمات سرکوب شود و به خاطر واژگان محدودی که در اختیار دارند، احساس محدودیت کنند.

والدین با کمک تکنیک ایفای نقش<sup>5</sup> می‌توانند یاد بگیرند که شنونده‌های خوبی برای فرزندان خود باشند و گفتگوهای اندکی که به طور روزانه با فرزندان خود برقرار می‌کنند را به مکالمات پربار خانوادگی گسترش دهند و برای افزایش علاقه فرزندان به واژگان، همراه با آن‌ها به انجام بازی‌های کلمه‌ای بپردازند. همچنین می‌توان والدین را تشویق کرد تا همراه با فرزندان خود به بازدید از موزه‌ها و سایر مکان‌های جالب و مهیج بروند تا فرزندان بتوانند هیجان ناشی از کشف چیزهای جدید را تجربه کنند. حتی والدین می‌توانند یاد بگیرند که برقراری یک رابطه محبت‌آمیز با فرزندان، به ویژه در مواقعی که کودک دچار ترس یا اضطراب شده (مثلاً هنگام خروج والدین از خانه

<sup>4</sup> social lubricant

<sup>5</sup> role-playing

در صبح و هنگام خواب در شب)، تا چه اندازه برای فرزندانشان اهمیت دارد. خانواده‌های پرمشغله، بیشتر در معرض ترک عادت گفتگوهای روزمره قرار دارند. ما می‌توانیم از والدین بخواهیم حداقل یک دقیقه از روز را به گفتگو خصوصی با فرزندان خود اختصاص دهند و در درجه اول باید به صحبت‌های کودک خود گوش دهند و از او پرسند روز خود را چگونه گذرانده است. والدین در این حین نباید توسط سایر اعضای خانواده یا تلویزیون، دچار حواس‌پرتی شوند. یاد دادن این موارد به والدین، به آن‌ها نشان می‌دهد که این لحظات چقدر نادر و گرانبها هستند. به اشتراک گذاشتن این تجربیات با سایر والدین در گروه‌های کوچک، باعث افزایش اثربخش این فعالیت‌ها می‌شود.

### ۳. فعالیت‌های روزمره در زندگی خانوادگی

اگر والدین مرزهای قابل پیش‌بینی و مشخصی را برای فرزندان خود تعیین کنند، آن‌ها را به استفاده مؤثر و مفید از وقت خود تشویق کنند و تجربیات یادگیری را به عنوان بخش منظمی از زندگی خانوادگی‌شان به فرزندان خود ارائه دهند، فرزندانشان می‌توانند بهترین عملکرد را در مدرسه داشته باشند.

مطالعات نشان می‌دهند فعالیت‌های روزمره خانواده، تعاملات روزمره بین والدین و فرزندان و انواع سرگرمی‌ها و فعالیت‌های تفریحی که اعضای خانواده در کنار هم از آن لذت می‌برند، همگی بر آمادگی کودکان برای یادگیری در مدرسه تأثیر می‌گذارد. وقتی فرزندان خانواده‌های کم‌درآمد، تعطیلات آخر هفته را به انجام فعالیت‌های مشترک با والدین خود می‌پردازند، به عنوان یک خانواده در کنار یکدیگر شام می‌خورند و به سرگرمی‌های خانوادگی مشغول می‌شوند، برخی از مضرات فقر در آن‌ها جبران می‌شود و این کودکان می‌توانند عملکرد بهتری در مدرسه داشته باشند.

نحوه به کارگیری زمان در خانواده‌های دانش‌آموزان موفق، موضوع بسیار مهمی است. والدین این دانش‌آموزان، فرزندان خود را به دستیابی استقلال تشویق می‌کنند، اما به طور مداوم نظاره‌گر فرزندان خود هستند تا ببینند آن‌ها چگونه آزادی خود را مدیریت می‌کنند و به چه موفقیت‌هایی دست می‌یابند. آن‌ها بهره‌وری و موفقیت را در فرزندان خود ستایش می‌کنند و آن‌ها را به چالش می‌کشند تا بتوانند به شکل هوشمندانه‌ای از وقت خود استفاده کنند. کودکانی که در این خانواده‌ها رشد یافته‌اند، به استفاده از تقویم‌ها، برنامه‌ها، فهرست مواد غذایی، فهرست «کارهای روزانه»، انجام وظایف داخل خانه، خواندن، مطالعه و بازی‌های فکری چالشی، عادت دارند. نتایج یک تحقیق نشان داده دانش‌آموزان موفق، حدوداً بیست ساعت از هفته را به انجام فعالیت‌های یادگیری در خارج از مدرسه اختصاص می‌دهند و اغلب این فعالیت‌ها با حمایت، راهنمایی یا مشارکت والدینشان انجام می‌شود. برخی از این فعالیت‌ها عبارتند از انجام تکالیف مدرسه، تمرین ورزشی، خواندن، نوشتن، بازدید از موزه‌ها و انجام فعالیت‌هایی که تحت

حمایت سازمان‌های جوانان هستند.

هنگامی که خانواده به طور روزانه بخشی از وقت خود را به تحصیل فرزندان اختصاص می‌دهد و درس خواندن را فقط به مواقعی که از طرف معلم مشخص شده، موقوف نمی‌کند، فرزندان متوجه می‌شوند خانواده برای تحصیل آن‌ها ارزش قائل می‌شود. در این صورت، مطالعه و یادگیری در زندگی آن‌ها نهادینه خواهد شد. وقتی یک خانواده مرزهای مشخصی را برای خود تعیین کرده است، فرزندان تمام تلاش خود را می‌کنند تا عملکرد خوبی را در این مرزها ارائه دهند. برخی از فعالیت‌ها به منزله یک سنگ محک روزانه هستند که جریان زمان را مشخص می‌کنند و کودکان را قادر می‌سازند تا در فعالیت‌های مهم و با اولویتی مانند مطالعه، خواندن و گفتگو با اعضای خانواده، مشارکت داشته باشند.

صرف وعده‌های غذایی و خوابیدن در ساعات مشخص و در نظر گرفتن یک زمان خاص برای مطالعه و خواندن، ریتم سازنده و سالمی را در زندگی کودکان ایجاد می‌کند. همچنین کودکان برای مطالعه و خواندن، به مکان ساکت و پر نوری نیاز دارند. انجام سرگرمی‌ها، بازی‌ها و سایر فعالیت‌های خانوادگی که ذهن فرزندان را به کار بگیرد و آن‌ها را به تعامل با سایر اعضای خانواده مشغول کند، برای کودکان بسیار مفید است. یک برنامه روزمره که زمان خاصی را برای مطالعه و خواندن مشخص می‌کند، خانه‌ای که مکان آرامی را برای مطالعه فراهم می‌آورد و فعالیت‌های خانوادگی از قبیل بازی‌ها و سرگرمی‌هایی که ذهن کودکان را درگیر می‌کنند و تعاملاتی را در بین کودکان و سایر اعضای خانواده برقرار می‌سازند، همه و همه از ویژگی‌های خانه‌ای هستند که با ارزش قائل شدن برای یادگیری و عادت دادن فرزندان به انجام این کار، آن‌ها را برای یادگیری در مدرسه آماده می‌کند.

#### ۴. انتظارات خانواده از فرزندان و نظارت بر آنها

والدین استانداردهایی را برای فرزندان خود تعیین می‌کنند و این استانداردها مشخص می‌کنند که چه چیزهایی برای فرزندان مهم خواهد بود.

مطالعات نشان می‌دهند والدینی که استانداردهای تحصیلی بالا، اما واقع‌گرایانه‌ای، را برای فرزندان خود تعیین می‌کنند، باعث می‌شوند فرزندان عملکرد بهتری در مدرسه داشته باشند. والدین دانش‌آموزان موفق، به تعاملات کلامی اهمیت می‌دهند. آن‌ها از فرزندان خود می‌خواهند تا افکار و ایده‌های بیشتری را بیان کنند، همچنین آن‌ها را به استفاده از کلمات جدید تشویق می‌کنند و انتظار دارند فرزندان با دقت صحبت کنند. خانواده‌هایی که انتظارات بالایی از عملکرد تحصیلی فرزندان خود دارند، به طور مداوم فرزندان خود را راهنمایی می‌کنند و برای تحصیل در مدرسه از پشتیبان آن‌ها هستند. آن‌ها از پیشرفت فرزندان خود آگاهند و به مسیر تحصیلی فرزندان علاقه دارند. محققان متوجه شده‌اند یک وجدان کاری قوی، به موفقیت فرزندان در مدرسه کمک می‌کند. نگرش خانواده در این زمینه

نیز اهمیت دارد و باید به کودک نشان دهد که دستاوردهای وی حاصل تلاش‌هایش است و ربطی به توانایی‌های ذاتی یا «بلد بودن قوانین سیستم»، ندارد. علاوه بر این، مراقبت از مسیر رفت و آمد فرزندان، شناسایی دوستانشان، نظارت بر تماشای برنامه‌های تلویزیونی و برقراری ارتباط با معلمان، می‌تواند مزایای زیادی برای فرزندان داشته باشد. ما با ارائه چندین تمرین مختلف می‌توانیم به والدین کمک کنیم تا بتوانند استانداردها و مثال‌هایی را که برای فرزندان خود ترسیم می‌کنند، درک کنند. برای مثال یک برنامه هفتگی معمول از فعالیت‌های کودک را فراتر از روزهای مدرسه ترسیم کنند. والدین باید ببینند کودک معمولاً چه زمانی را به درس اختصاص می‌دهد؟ چه زمانی به مطالعه می‌پردازد؟ چه زمان‌هایی با دوستانش بازی می‌کند؟ چه زمانی به تماشای تلویزیون می‌پردازد؟ والدین با مشخص کردن این موارد می‌توانند متوجه شوند هر کدام از این فعالیت‌ها چه اولیوی برای فرزندشان دارند.

والدین اغلب برای دریافت راهنمایی در مورد تحصیل فرزندانشان، به معلمان آن‌ها مراجعه می‌کنند. اینکه کودکان هر روز حداقل زمان اندکی (شاید حدود ده دقیقه برای هر پایه) را به مطالعه و خواندن اختصاص دهند، می‌تواند دستورالعمل خوبی برای والدین باشد. شاید خطرات تماشای تلویزیون برای کودکان، بیش از حد اغراق‌آمیز باشد، اما اگر کودکان بیش از ۹۰ دقیقه در روز را با تماشای تلویزیون سپری کنند، عملکرد آن‌ها در مدرسه دچار افت خواهد شد. مدت زمان تماشای تلویزیون، کودکان را از انجام فعالیت‌های پربرتری مانند خواندن یا مطالعه، باز می‌دارد.

گاهی اوقات باید به والدین یادآوری کرد که فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی نیز برای کودکان مفیدند و نباید تکالیف مدرسه را جایگزین این فعالیت‌ها کرد. با این حال، مطالعه و خواندن باید در اولویت قرار بگیرند. والدین می‌توانند در ایجاد برنامه‌ریزی‌های هفتگی به فرزندان خود کمک کنند و اگر دیدند فرزندانشان زمان کافی برای مطالعه در نظر گرفته‌اند، می‌توانند به آن‌ها اجازه دهند وقت خود را به تفریح نیز اختصاص دهند.

احتمالاً یکی از دشوارترین چالش‌های پیش روی والدین این است که بفهمند آیا فرزندشان تمام تلاش خود را می‌کند و بهترین عملکردش را ارائه می‌دهد یا خیر؟ در نظر گرفتن انتظارات بالا، اما واقع‌بینانه، فقط در حرف، راحت به نظر می‌رسد، اما در عمل کار دشواری است. وقتی می‌خواهید عملکرد کودک را در فعالیت‌های مدرسه بررسی کنید، بهترین رویکرد این است که به عادت‌های مطالعه و نگرش کودک نسبت به مدرسه دقت کنید، نه اینکه فقط روی نمراتش تمرکز نمایید. البته این بدان معنا نیست که نمرات اصلاً مهم نیستند، بلکه منظور ما این است که نمرات می‌توانند گول‌زننده باشند. بعضی از کودکان با تلاش‌های اندک می‌توانند به نمرات بالایی دست یابند و این باعث می‌شود نتوانند عادت‌های خوب مطالعه را در خود گسترش دهند. از طرف دیگر، برخی از کودکان سخت تلاش می‌کنند اما هرگز نمی‌توانند به بالاترین نمرات دست یابند. آن‌ها ممکن است تمام تلاش خود را انجام داده باشند، بنابراین همین وقتی که صرف یادگیری کرده‌اند شایسته تقدیر است. مقایسه خواهران و برادران با یکدیگر، یکی از دام‌هایی است که والدین را در خود گرفتار می‌کند.

یک قانون ساده برای والدین این است که همیشه بدانند فرزندانشان کجا هستند، چه کاری انجام می‌دهند و وقت



خود را با چه کسانی می گذرانند. والدین پیش از اینکه به فرزند خود اجازه دهند با همسالان خود وقت بگذارند، باید حتماً با دوستان فرزند خود ملاقات کنند و نام و آدرس آنها را بدانند. برقراری یک ارتباط منظم با معلمان نیز به همین اندازه اهمیت دارد.

## ۵. تکالیف خانگی

هنگامی که معلمان تکالیف را به طور منظم برای دانش آموزان تعیین می کنند؛ سپس به آنها نمره می دهند و بلافاصله به دانش آموز بر می گردانند، به دانش آموزان کمک می شود تا یادگیری بهتری داشته باشند؛ البته به شرط اینکه تکالیف برای تکرار مطالبی که در مدرسه تدریس شده، ارائه شده باشند.

اگر تکالیف خانگی به درستی توسط معلمان به کار گرفته شود، می تواند سه برابر بیشتر از وضعیت اقتصادی و اجتماعی دانش آموزان، بر یادگیری آنها تأثیر بگذارد. تکالیف، در تسلط دانش آموزان بر حقایق و مفاهیم و همچنین شکل گیری تفکر انتقادی و نگرشها و عادات سازنده نقش دارد. تکالیف دارای یک اثر جبرانی است و دانش آموزان ضعیف با انجام تکالیف و مطالعه اضافه در خانه می توانند نمرات خود را به دانش آموزان قوی برسانند. همچنین، تکالیف عامل مهمی است که باعث تفاوت نمرات دانش آموزان در آزمونهای پیشرفت می شود. تکالیف علاوه بر تأثیر مثبتی که بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می گذارد، باعث می شود:

- دانش آموزان به تحصیل در خانه عادت کنند.
- برای یادگیری مستقل آماده شوند.
- تکالیف می تواند به یک نقطه کانونی برای ایجاد تعاملات خانوادگی تبدیل شود.
- به والدین اجازه می دهد تا ببینند فرزندشان چه چیزهایی در مدرسه آموخته است.
- تکالیف جای فعالیت های سازنده را نمی گیرد، بلکه در بیشتر خانه ها، با تماشای تلویزیون در رقابت است؛ یعنی کودک به جای تماشای تلویزیون، مجبور می شود تکالیف خود را انجام دهد.
- تکالیف باعث می شود یادگیری رسمی دانش آموزان، از روزهای مدرسه فراتر رود.
- دانش آموز را قادر می سازد تا به خوبی در مورد مطالب درسی تأمل کند و از نزدیک با آن آشنا شود؛ کاری در میان شلوغی و سر و صدای مدرسه به سختی امکان پذیر است.
- معلم را به طور مرتب از پیشرفت دانش آموزان آگاه می سازد.

تحقیقاتی که در زمینه استفاده مؤثر معلمان از تکالیف، انجام شده، بسیار مفیدند. به عنوان مثال، مطالعه ای که در مورد اثربخشی تکالیف ریاضی انجام شد، به نتایج زیر رسید:

- تکالیف تعیین شده توسط معلم، بسیار مؤثرتر از تکالیف داوطلبانه هستند.
  - عدم تعیین تکالیف برای دانش آموزان یک پایه تحصیلی، به شدت بر عملکرد آنها در پایه‌های بعدی تأثیر می‌گذارد.
  - تکالیف تنها در صورتی مؤثر خواهند بود که بلافاصله توسط معلم تصحیح شوند و با ارائه نظراتی در مورد عملکرد دانش آموز، به وی بازگردانده شوند.
- سایر مطالعات، بر اهمیت نمره‌دهی و نظرات کتبی معلم در مورد تکالیف تأکید می‌کنند. تکالیف روزانه، نسبت به تکالیف کم تکرار، ترجیح دارند. میزان اثربخشی تکالیف، به حجم آنها بستگی ندارد، بلکه هرچه میزان تکرار تکالیف بیشتر باشد (یعنی به طور منظم برای دانش آموزان در نظر گرفته شود)، ماهیت بهتری داشته باشد و معلمان توجه بیشتری به کار دانش آموز نشان دهند، اثربخشی تکالیف نیز افزایش می‌یابد. تکالیف خانگی زمانی مؤثر خواهند بود که:

- به طور مکرر در نظر گرفته شوند.
- مستقیماً به کارهای کلاسی مربوط باشند.
- به جای ارائه مطالب جدید به دانش آموز، برای تسلط وی بر مطالب قبلی به کار گرفته شوند.
- تصحیح و نمره‌بندی شوند و بخش قابل توجهی از نمرات کارنامه تحصیلی دانش آموز را به خود اختصاص دهند.

- بلافاصله پس از تصحیح، به دانش آموز بازگردانده شوند و حاوی نظراتی کتبی در مورد عملکرد او باشند.
- مدارس با ایجاد یک استاندارد سراسری، تعداد و حجم این تکالیف خانگی را برای والدین، دانش آموزان و معلمان مشخص می‌کنند. به عنوان مثال، برخی مدارس از دانش آموزان کلاس اول خود انتظار دارند هر شب حدود ده دقیقه را به انجام تکالیف خانگی اختصاص دهند و این مدت زمان به ازای هر پایه تحصیلی، به میزان ده دقیقه افزایش می‌یابد (یعنی دانش آموزان کلاس دوم، بیست دقیقه، دانش آموزان کلاس سوم، سی دقیقه و الی آخر). این روش بسیار خوبی است و باعث می‌شود عادت انجام تکالیف خانگی در دانش آموزان به طور تدریجی و مداوم رشد پیدا کند.

## ۶. روابط میان مدرسه و خانه

وجود یک رابطه دو طرفه میان والدین و معلمان، برای دانش آموزان مفید خواهد بود.

وقتی والدین و معلمان، انتظارات یکدیگر را درک می‌کنند و در رابطه با عادات یادگیری کودک، نگرش وی نسبت

به مدرسه، تعاملات اجتماعی و پیشرفت تحصیلی کودک با یکدیگر در ارتباط هستند، دانش آموز می تواند بهترین عملکرد را از خود نشان دهد. مدارس از طریق مدیران، سیاست ها و برنامه های خود می توانند جو مناسبی را برای برقراری ارتباط میان معلمان و والدین ایجاد کنند و فرصت های خوبی را برای برقراری ارتباط فراهم آورند. وقتی معلمان ببینند مدیران مدارس برای چنین ارتباطی ارزش قائلند و مشاهده کنند که همکارانشان نیز حامی مشارکت والدین هستند و والدین نیز از این امر قدردانی می کنند، بیشتر به برقراری ارتباط با والدین مشتاق می شوند. این ارتباط تنها زمانی مؤثر خواهد بود که در هر دو جهت جریان داشته باشد. مدارس باید آگاهی دادن به والدین و برقراری ارتباط با آنها را به چشم دو مقوله مجزا مشاهده کنند. موارد زیر نمونه هایی از روابط میان خانه و مدرسه هستند که ارتباط راحت و مؤثری را بین والدین و پرسنل مدرسه فراهم می کنند:

### ملاقات های اولیاء، مربیان و دانش آموزان

مدارس باید برنامه هایی برای ملاقات های اولیاء، مربیان و دانش آموزان تهیه کنند که بتواند مشارکت هر سه طرف را تشویق کند. والدین پیش از برگزاری این جلسات باید از دستور کار آن آگاه شوند. در این نشست ها سؤالاتی از والدین پرسیده می شود، مثلاً اینکه والدین، عادت های مطالعه کودک در خانه را چگونه توصیف می کنند؟ آیا کودک در خانه هیچ مطالعه ای دارد؟

### کارنامه

معلمان معمولاً با استفاده از کارنامه، والدین را از پیشرفت تحصیلی فرزندشان آگاه می سازند. اما این کارنامه ها نیز می توانند به یک ابزار دو طرفه تبدیل شوند، مثلاً والدین می توانند میزان پیشرفت فرزند خود در انجام فعالیت های مدرسه در خانه را در کارنامه او درج کنند. آنها می توانند تمایل کودک به انجام تکالیف؛ میزان مطالعه وی برای سرگرمی؛ تعدیل مدت زمان تماشای تلویزیون و نگرش وی نسبت به یادگیری را در این کارنامه گزارش دهند. همچنین این کارنامه های دو طرفه می توانند والدین را ترغیب کنند تا نگرانی های خود را به اطلاع معلم برسانند یا درخواست برگزاری ملاقات داشته باشند.

### خبرنامه مدرسه

بسیاری از مدارس دارای خبرنامه هستند. آنها برای تشویق ارتباط دو طرفه با والدین، می توانند از آنها بخواهند تا نوشته هایی را برای مدرسه بفرستند تا در خبرنامه چاپ شود: والدین چه نکاتی را برای کمک به دانش آموزان در انجام تکالیف ارائه می دهند؟ والدین، کدام یک از فعالیت های خانوادگی خود را با سایرین به اشتراک خواهند گذاشت؟ آیا خانواده های دانش آموزان از موزه ها، مکان ها تاریخی یا سایر مکان هایی که ارزش آموزشی دارند، بازدید کرده اند یا خیر؟

## کارت تشویق<sup>۶</sup>

مدارس باید کارت‌های تشویق را برای معلمان چاپ کنند تا آن‌ها با ارسال این برگه‌ها به والدین، بتوانند از دستاوردها و رفتارهای خوب فرزندشان در کلاس درس، تعریف و تمجید کنند. از آنجایی که معلمان نیز قدردان یادداشت‌های محبت‌آمیز از طرف والدین هستند، بنابراین مدارس می‌توانند این برگه‌ها را میان والدین نیز توزیع کنند. مدارس می‌توانند فرم‌های خالی کارت تشویق را در خبرنامه خود چاپ کنند تا والدین با بریدن این فرم‌ها از داخل خبرنامه، متن مورد نظرشان را برای معلم فرزند خود بنویسند و آن را ارسال کنند.

## برگزاری ملاقات‌های آزاد و بدون نیاز به قرار قبلی

زمان مشخصی را برای معلمان تعیین کنید تا برای برقراری ملاقات‌های آزاد، در دسترس والدین باشند. برخی از مدارس، سی دقیقه قبل از شروع کلاس‌های هر روز صبح (یا روزهای خاصی از هفته) را به این ملاقات‌ها اختصاص می‌دهند تا همه معلمان بدون نیاز به قرار قبلی، در دسترس والدین قرار بگیرند.

## تابلو اعلانات والدین

یک تابلو اعلانات مخصوص والدین را در ورودی اصلی مدرسه قرار دهید. والدین با مشاهده این تابلو به راحتی می‌توانند یادداشت‌های مربوط به جلسات اولیاء و مربیان، پیشنهادهای مربوط به انجام تکالیف درسی، اعلامیه‌های مربوط به فعالیت‌های خانوادگی و تاریخ رویدادهای مهم را ببینند.

## پیوستن خانه به کلاس درس

والدین دوست دارند بدانند فرزندشان در مدرسه چه چیزهایی می‌آموزد. ارائه یک گزارش هفتگی در مورد مطالبی که دانش‌آموزان در طول هفته یاد گرفته‌اند، می‌تواند برای والدین مفید باشد. این گزارش هفتگی می‌تواند حاوی فعالیت‌هایی باشد تا والدین بتوانند مطالبی که فرزندانشان در طول هفته آموخته‌اند را با آن‌ها تمرین کنند.

## دفترچه تکالیف

دفترچه تکالیف، دفترچه‌ای است که دانش‌آموزان هر روز تکالیف خود را در آن ثبت می‌کنند (و شاید نمرات خود را نیز در آن یادداشت کنند). این دفترچه برای پیشرفت دانش‌آموزان بسیار مفید است و آن‌ها را در مسیر درستی قرار می‌دهد. اگر از والدین بخواهیم دفترچه تکالیف فرزند خود را مشاهده، تاریخ‌گذاری و امضاء کنند و از معلمان هم بخواهیم این دفترچه‌ها را به طور منظم مورد بررسی قرار دهند، می‌توانیم رابطه دوطرفه خوبی را میان دانش‌آموزان، معلمان و والدین برقرار کنیم.

---

<sup>6</sup> Happy grams

## ۷. مشارکت والدین

در اینجا مشارکت والدین از سه جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد: مشارکت والدین با کودکان خود، مشارکت والدین با خانواده سایر کودکان و مشارکت والدین با مدرسه فرزند خود.

«مشارکت والدین» اصطلاحی بسیار کلی و مبهم است و بسیاری از مسائل را شامل می‌شود؛ از شیوه‌های تربیتی و فرزندپروری در خانه تا مشارکت والدین در رویدادهای مدرسه. برخی از فعالیت‌های فرزندپروری خانواده‌ها به عملکرد کودک در مدرسه (برنامه‌درسی خانه) مربوطند؛ و برخی دیگر عام‌ترند و به تغذیه، پرورش و مراقبت از آنها ربط پیدا می‌کنند. همین‌طور رویدادهایی که در مدرسه اتفاق می‌افتد، شامل حضور در رقابت‌های ورزشی، تا مشارکت در ملاقات‌های والدین/معلمان و اتمام دوره‌های آموزشی والدین. دسته‌بندی پذیرفته شده مشارکت والدین در مدرسه از این قرار است:

- فرزندپروری (مراقبت و پرورش کودک)
- برقراری ارتباط (حفظ جریان ارتباطی میان والدین و مدرسه)
- داوطلب شدن در کمک به مدرسه
- یادگیری در خانه (پشتیبانی و تکمیل آموزش مدرسه در خانه)
- مشارکت در بخشی از تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سازمان مدرسه
- همکاری با اجتماع محلی بزرگتر (نماینده شدن از سوی مدرسه برای برقراری ارتباط با سایر سازمان‌ها)

محققان موارد زیر را به عنوان عواملی که مانع مشارکت والدین می‌شوند، مطرح می‌کنند:

- محدود کردن مشارکت والدین به حضور در جلسات رسمی و رویدادهای مدرسه و عدم توجه به رابطه والدین با کودکان در خانه
  - کاهش سطح انتظار کارکنان مدرسه از والدین، با این پیش فرض که والدین تنها یا کم‌درآمد قادر به حمایت و راهنمایی فرزندان‌شان نیستند.
  - عدم آمادگی معلمان برای درگیر کردن والدین با روش‌هایی که یادگیری را در مدرسه تسهیل می‌کند.
  - موانع شغلی والدین، دسترسی مدرسه به آنها را در زمان‌هایی که برای کارکنان مدرسه مقدور است، دشوار می‌کند.
  - وجود نگرش یا تجربه‌ای در والدین، که به ایجاد مقاومت در آنها برای تماس با کارکنان مدرسه منجر شود.
- از آن جایی که یک مدرسه ممکن است دسترسی محدودی برای تأثیرگذاری بر بیشتر والدین داشته باشد، می‌بایست شیوه‌هایی را که انتظار دارد به واسطه آنها مشارکت والدین افزایش یابد، به دقت انتخاب کند. به طور کلی، برای

افزایش سطح یادگیری کودکان در مدرسه، مشارکت والدین از طریق همراهی کودک در انجام فعالیت‌های برنامه‌درسی خانه، از دخالت مستقیم آنها در فعالیت‌های مدرسه، مفیدتر است. رابطه والدین با سایر پدرها و مادرهایی که فرزندشان در همان مدرسه درس می‌خوانند و همچنین ارتباط آنها با معلم کودک، در موفقیت او نقش پررنگی دارد. کیفیت یک مدرسه نیز به میزان تمایل والدین برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلیدی این نهاد بستگی دارد. دسته‌بندی مطرح شده در بالا، می‌تواند زمینه‌خوبی برای توسعه طیف وسیعی از برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوط به مشارکت والدین، در اختیار مدرسه قرار دهد.

## ۸. آموزش والدین

برنامه‌هایی که به والدین آموزش می‌دهند چگونه محیط خانه را برای افزایش یادگیری فرزندانشان بهبود بخشند، شکل‌های متنوعی دارند و ممکن است نتایج قابل توجهی در یادگیری فرزندان ایجاد کنند.

آموزش والدین عبارت است از بازدید خانگی توسط مربیان والدین، برگزاری جلسات گروهی به سرپرستی والدینی که قبلاً این آموزش‌ها را پشت سر گذاشته‌اند و برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌هایی که توسط متخصصان تدریس می‌شوند. مدل بازدید خانگی معمولاً فقط برای والدینی که کودک پیش‌دستانی دارند انجام می‌شود. مربیان در این بازدیدها، مراحل رشد کودک را به والدین توضیح می‌دهند و نمونه‌هایی از فعالیت‌های والد-فرزند را به آنها پیشنهاد می‌کنند. جلسات گروهی، به والدین اجازه می‌دهد تا در یک گروه کوچک، به یادگیری پیردازند و چیزهایی که در این گروه‌ها یاد گرفته‌اند را تا جلسه بعد، با فرزندان خود انجام دهند و تجربیاتشان را با سایر والدین به اشتراک بگذارند. اگر این گروه‌ها به جای اداره شدن توسط معلمان یا متخصصان، توسط سایر والدین هدایت شوند، بیشتر جنبه مشارکتی و دوستانه خواهند داشت. اما یکی از مزیت‌های کارگاه‌ها و دوره‌هایی که توسط افراد متخصص (از قبیل مربیان، روانشناسان یا متخصصان اطفال) برگزار می‌شوند، این است که می‌توانند دانش حرفه‌ای و پژوهش‌محور را به والدین ارائه دهند. تحقیقات نشان داده‌اند برنامه‌هایی که بهبود شناخت و تعامل کلامی با فرزند را به والدین آموزش می‌دهند، تأثیرات فوری و قابل توجهی بر رشد فکری کودک خواهند داشت. وقتی والدین یاد می‌گیرند چگونه بر اوقات فراغت فرزند خود نظارت داشته باشند و آن را هدایت کنند، باعث بهبود عملکرد فرزندان در مدرسه خواهند شد. مدارسی که روش‌های تقویت یادگیری دانش‌آموزان در خانه را به والدین آموزش می‌دهند، دانش‌آموزان با انگیزه‌تری دارند که علاقه بیشتری به یادگیری و حضور منظم در مدرسه، از خود نشان می‌دهند. برنامه‌های آموزشی والدین، باعث تقویت ارتباط معلمان و والدین می‌شوند و نگرش والدین نسبت به مدرسه را بهبود می‌بخشد. تشویق خانواده‌ها به انجام مطالعات خانوادگی، باعث بهبود مهارت خواندن و افزایش علاقه کودکان به مطالعه می‌شود. برنامه‌هایی که هم والدین و هم فرزندان را مورد توجه قرار می‌دهند، بسیار مؤثرتر از برنامه‌هایی هستند

که فقط با والدین سر و کار دارند. برنامه‌های بازدید از منزل زمانی مؤثرتر خواهند شد که همراه با جلسات گروهی والدین، برگزار شوند.

موانعی که بر سر راه برنامه‌های آموزشی والدین قرار دارند، می‌توانند بسیار سهمگین باشند. بعضی از والدین نگرش خوبی نسبت به ارائه‌دهندگان این آموزش‌ها ندارند. جذب افراد برای ارائه این برنامه‌های آموزشی نیز می‌تواند روند ناامیدکننده‌ای داشته باشد. معمولاً معلمان تمام وقت و انرژی خود را صرف مراقبت از دانش‌آموزان می‌کنند و کار کردن با والدین را به چشم یک بار اضافی می‌بینند. بنابراین دو مشکل پیش روی برنامه‌های آموزشی والدین عبارتند از (الف) استخدام پرسنل اضافه برای سازماندهی و ارائه برنامه‌های آموزشی به والدین و (ب) جذب والدین به این برنامه‌ها. ما برای انجام بازدید از منزل، به افراد و پرسنل زیادی نیاز داریم، بنابراین این نوع برنامه‌ها پرهزینه هستند؛ البته این برنامه‌ها فقط به والدین کودکان پیش‌دبستانی اختصاص دارند و آنها نیز به شدت پذیرای این برنامه‌های آموزشی هستند. برگزاری این برنامه‌های آموزشی در داخل خانه، باعث می‌شود برای والدین راحت‌تر باشند و مربی نیز در محیط طبیعی خانه قرار گیرد و هر بار فقط بر آموزش یک خانواده تمرکز کند. جلسات گروهی کوچکی که توسط والدین آموزش دیده هدایت می‌شوند، کم هزینه هستند و باعث می‌شوند والدین نسبت به مدرسه احساس دل‌بستگی پیدا کنند و همچنین به والدین اجازه می‌دهند تا تجربیات خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و به یکدیگر کمک کنند. از طرف دیگر، ما برای جذب والدین به شرکت در جلسات آموزشی خارج از خانه، باید توجه زیادی به استخدام پرسنل آموزشی معطوف کنیم. برخی از راهبردهای مدارس و معلمان در آموزش والدین عبارتند از:

- مشارکت با سایر سازمان‌هایی که از طریق مراجعه به منازل و انجام سایر فعالیت‌ها می‌توانند بر شیوه فرزندپروری والدین دانش‌آموزان پیش‌دبستانی، تأثیر بگذارند. برخی از این سازمان‌ها و افراد عبارتند از: متخصصان اطفال، مرکز بهداشت عمومی، سازمان‌های اجتماعی و کلیساها.
- تهیه فهرست انتظارات مدرسه از والدین، با توجه به گروه سنی فرزندشان و سپس سازمان‌دهی آموزش آنها بر اساس این فهرست.
- انتشار، اطلاع‌رسانی، نظارت، پشتیبانی و کمک به سیاست‌های تکالیف درسی
- کمک گرفتن از والدین آموزش دیده برای سازماندهی، جذب و هدایت سایر والدین
- در نظر گرفتن مدل‌ها و برنامه‌های درسی آزمایش شده و اثبات شده
- تمرکز روی برنامه‌درسی خانه

## ۹. رابطه خانواده و مدرسه

از آنجایی که هر خانواده به شکل متفاوتی با مدرسه فرزند خود رابطه برقرار می‌کند، بنابراین مدارس باید از راهبرد های مختلفی استفاده کنند تا همه خانواده‌ها در یادگیری فرزندان خود شریک شوند.

روابط خانواده و مدرسه را می‌توان با سه مرحله تاریخی از توسعه اقتصادی تطبیق داد. در مرحله اول که معمولاً در جوامع کشاورزی و حتی در میان خانواده‌های سایر جوامع نیز مشاهده می‌شود، خانواده در حال زندگی در یک سطح معیشتی است و برای کار (یا معمولاً در حالت مدرن‌تر، برای داشتن یک آسایش عاطفی) به فرزندان خود تکیه می‌کند. در چنین شرایطی ممکن است خانواده پتانسیل تحصیلی کودک را محدود کند، بنابراین نقش مدرسه این است که امکانات رشد کودک را گسترش دهد. در مرحله دوم که مطابق با اقتصاد صنعتی است، اهداف خانواده و مدرسه با هم همگرایی دارند و هر دو به دنبال بهبود اوضاع اقتصادی کودک هستند. در مرحله سوم، یعنی غنا و ثروت پس از صنعت، والدین متوجه می‌شوند که الزامات تربیتی کودکان با مطالبات بزرگسالان والدین، در رقابت است. آن‌ها از مدرسه انتظار دارند که این خلأ را پر کند.

در جوامع مدرن می‌توانیم هر سه نوع خانواده‌ای که در بالا شرح داده شده‌اند را مشاهده کنیم. ممکن است ما با قرار دادن خانواده‌ای در یک گروه خاص، در حق آن خانواده ظلم کنیم، اما توصیف موقعیت‌های معمول این خانواده و راهبردهای درگیر کردن خاص آن، می‌تواند آموزنده باشد.

### خانواده‌های مشکل‌دار و پریشان

برخی از خانواده‌ها، به ویژه آنهایی که در فقر زندگی می‌کنند، به شدت توسط نیازهای زندگی روزمره خود تحت فشار قرار دارند. آن‌ها غالباً مهارت‌های فرزندپروری محدودی دارند، فاقد ارتباطات اجتماعی هستند و به مدل‌های تربیتی اندکی دسترسی دارند. آن‌ها ممکن است از مرییان فرزندان خود بترسند و مدرسه را به چشم نهادی ببینند که خبرهای بدی برای آن‌ها دارد. احتمالاً آن‌ها به خوبی متوجه می‌شوند که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. آموزش نحوه برقراری ارتباط با فرزندان می‌تواند برای این خانواده‌ها مفید واقع شود، اما آن‌ها ابتدا باید از حسن نیت واقعی پرسنل مدرسه و سایر والدین نسبت به خود مطمئن شوند. آن‌ها نیازمند یک زمینه آموزشی دوستانه، مثبت و حمایتی هستند که اغلب توسط سایر والدین هدایت می‌شود، نه پرسنل مدرسه.

### خانواده‌های کودک‌محور

خانواده کودک‌محور، اهمیت تحصیل را برای پیشرفت اقتصادی فرزندشان درک می‌کند. آن‌ها غالباً از این می‌ترسند که مدرسه، توجه کافی و مناسبی نسبت به تحصیل فرزندشان نداشته باشد. آن‌ها از تأثیرات منفی اجتماعی، احساس ناامیدی می‌کنند و ممکن است از سایر والدینی که از نظر آن‌ها شل و بی‌دغدغه هستند بدگویی کنند. از



طرف دیگر، این والدین مایلند با مدرسه فرزندان خود همکاری داشته باشند، رهبری سایر والدین را بر عهده گیرند، و از کودکانی که نادیده گرفته شده‌اند، حمایت کنند. بهتر است مدارس نقش سازنده‌ای به این والدین اعطا کنند و فرصتی را در اختیار آن‌ها قرار دهند تا بتوانند با سایر والدین کار کنند. مدارس در رابطه با این والدین کودک محور، باید آن‌ها را به سمت فعالیت‌هایی سوق دهند که برای رشد تحصیلی و شخصیتی فرزندان خودشان و همچنین فرزندان سایر والدین، مفید واقع خواهد شد. والدین کودک محور، رهبران شگفت‌انگیزی برای برنامه‌های آموزشی والدین خواهند بود.

### خانواده‌های والد محور

برخی والدین پرمشغله به مدرسه فرزند خود اهمیت می‌دهند اما گاهی اوقات چنان جذب حرفه و منافع شخصی خود می‌شوند که از مشارکت در زندگی فرزندان خود باز می‌مانند. آن‌ها برای جبران این کمبود، فرزندان خود را در بهترین مدارس ثبت‌نام می‌کنند و به خیال خود آن‌ها را به متخصصان صالح آن مدرسه می‌سپارند. آن‌ها در سایر جنبه‌های زندگی فرزندان خود نیز همین کار را تکرار می‌کنند و با ارائه برنامه‌ها و خدمات خریداری شده، سعی دارند تجربه‌هایی را برای فرزندان خود فراهم کنند. این والدین با استعداد، از منابع مالی، تحصیلات، ارتباطات اجتماعی و مهارت‌های حرفه‌ای زیادی برخوردارند. مدارس در ارتباط با این دسته از والدین، باید آن‌ها را دوباره از لحاظ روحی و معنوی به فرزندان نزدیک کنند. این نزدیکی روحی و معنوی، از مسیر قلب آن‌ها امکان‌پذیر می‌شود. اگر آن‌ها به یک رابطه صمیمانه با فرزندان خود داده شوند، می‌توانند متوجه شوند که با واگذاری مسئولیت تربیت فرزندشان به دیگران، خود را از چه رضایتی محروم کرده‌اند.

### ۱۰. خانواده‌ها و جوامع محلی

هنگامی که خانواده‌های کودکان، در مدرسه با یکدیگر معاشرت می‌کنند، سرمایه اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد و کودکان تحت مراقبت تعداد بیشتری از بزرگسالان قرار می‌گیرند. والدین نیز استانداردها، هنجارها و تجارب تربیتی خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند.

در بسیاری از جوامع، خانواده‌های کودکانی که به یک مدرسه می‌روند، هیچ پیوند اجتماعی با یکدیگر برقرار نمی‌کنند؛ لزوماً خارج از مدرسه با یکدیگر معاشرت نمی‌کنند و ارتباط آن‌ها در داخل مدرسه نیز بسیار محدود است. فرزندان این خانواده‌ها هر روز کنار هم‌کلاسی‌های خود می‌نشینند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، در حالی که والدینشان هیچ شناختی از یکدیگر ندارند. بسیاری از این کودکان، بخش زیادی از اوقات فراغت خود را به تنهایی یا با سایر همسالانشان می‌گذرانند، نه تحت نظارت یک بزرگسال. وقتی که بزرگسالان ارزش‌های تربیتی خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، حمایت و راهنمایی مداومی را به کودکان ارائه می‌دهند،

و در واقع به نفع او عمل می‌کنند و به کودک سود می‌رسانند. سرمایه اجتماعی، یکی از دارایی‌های در دسترس کودک است که توسط روابط بزرگسالان با یکدیگر ایجاد می‌شود، این سرمایه به ارتباطات رو در روی بزرگسالان با یکدیگر بستگی دارد. اگر یک مدرسه، به جای عمل به عنوان یک سازمان<sup>۷</sup>، خود را به عنوان یک جامعه محلی<sup>۸</sup> متشکل از اعضا (شامل کادر مدرسه، دانش آموزان و خانواده‌های دانش آموزان) معرفی کند، به احتمال زیاد می‌تواند خانواده‌های دانش آموزان را به برقراری تعاملات اجتماعی که منجر به ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود، تشویق کند. یک مدرسه می‌تواند جامعه‌ای را در میان اعضای خود (پرسنل مدرسه و خانواده‌های دانش آموزان) ایجاد کند و آن را گسترش دهد. چارچوب خوبی برای ایجاد یک جامعه در مدرسه، باید شامل راه‌هایی برای بیان ارزش‌های رایج در مورد آموزش و جذب والدین به جامعه با کمک سایر والدین و معلمان باشد. چنین چارچوبی مدرسه را قادر می‌سازد تا به عنوان یک قهرمان برای خانواده‌ها عمل کند و خواسته‌های آنان در تربیت و آموزش فرزندانشان را برآورده نماید. عناصر برنامه تقویت جامعه در مدرسه عبارتند از:

- نمایندگی: والدین در گروه‌های تصمیم‌گیری در مدرسه قرار می‌گیرند.
- ارزش‌های آموزشی: والدین و معلمان با کمک یکدیگر، ارزش‌های آموزشی مشترک مدرسه را بیان می‌کنند. اهداف مدرسه و انتظارات از دانش آموزان، معلمان و والدین نیز از این ارزش‌های مشترک نشأت می‌گیرد.
- ارتباطات: ارتباطات دو طرفه بین خانه و مدرسه از روش‌های مختلفی انجام می‌شود: ملاقات‌های والدین، معلمان و دانش آموزان، گفتگوهای تلفنی، یادداشت‌ها و دفترچه‌های تکالیف.
- آموزش: برگزاری برنامه‌های آموزشی برای معلمان و والدین به منظور بهبود توانایی‌های آن‌ها در کمک به موفقیت کودکان.
- تجربیات مشترک: همه دانش آموزان و والدین و معلمان، در رویدادهای جمعی مشارکت می‌کنند یا توسط فعالیت‌های خاصی در برنامه‌های آموزشی، به هم مرتبط می‌شوند. این فعالیت‌ها آن‌ها را با یکدیگر متحد می‌کند و به آن‌ها امکان می‌دهد تجربیات آموزشی خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند.
- انجمن: مدارس فرصت‌هایی را برای اعضای خود برقرار می‌کنند تا بتوانند در راستای اهداف مدرسه با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. مثلاً گروه‌هایی از والدین بتوانند با سایر والدین، یا با معلمان ارتباط برقرار کنند، یا دانش آموزان جوان‌تر بتوانند با دانش آموزان سال بالایی در ارتباط باشند یا یک راهنمایی بین‌نسلی را در بین دانش آموزان و داوطلبان بزرگسال (از جمله «پدر بزرگان و مادر بزرگان») فراهم می‌کنند.

<sup>7</sup> organization

<sup>8</sup> community

هنگامی که یک مدرسه تصمیم می‌گیرد برای تخصیص منابع به دانش‌آموزانش از جامعه محلی کمک بگیرد، عاقلانه است ابتدا نیازهای برآورده نشده دانش‌آموزان را شناسایی کند تا سپس با مراجعه به جوامع موردنظر بتواند در مورد خدماتی که می‌توانند این نیازها را برآورده کنند، مذاکره کند. مدرسه فقط با استفاده از منابع خودش نمی‌تواند تمام نیازهای دانش‌آموزان را برآورده کند: نیازهای اساسی خانواده (لباس، غذا، مسکن، مراقبت از کودک)، نیازهای بهداشتی (واکسیناسیون، معاینه، مراقبت از دندان)، رفتاردرمانی، تفریح، تدریس خصوصی، تست روانشناسی، راهنمایی، تجهیزات معلولیت، مراقبت از استراحت، فرصت‌هایی برای استعدادها یا علایق خاص (علمی، هنری، ورزشی، ادبی). هنگامی که مدارس نیازهای دانش‌آموزان خود را فهرست کنند و آنها را با فهرست منابع موجود در جامعه محلی تطبیق دهند، دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها می‌توانند به طور سازمان‌یافته‌ای با خدمات موردنظرشان ارتباط برقرار کنند.